

دکتر علی شریعتی انقلابی شیعه

پدیدآورده (ها) : یان ریشار؛ احمدی، حمید
میان رشته ای :: کیهان فرهنگی :: خرداد 1364 - شماره 15
از 32 تا 34
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/17815>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 12/12/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



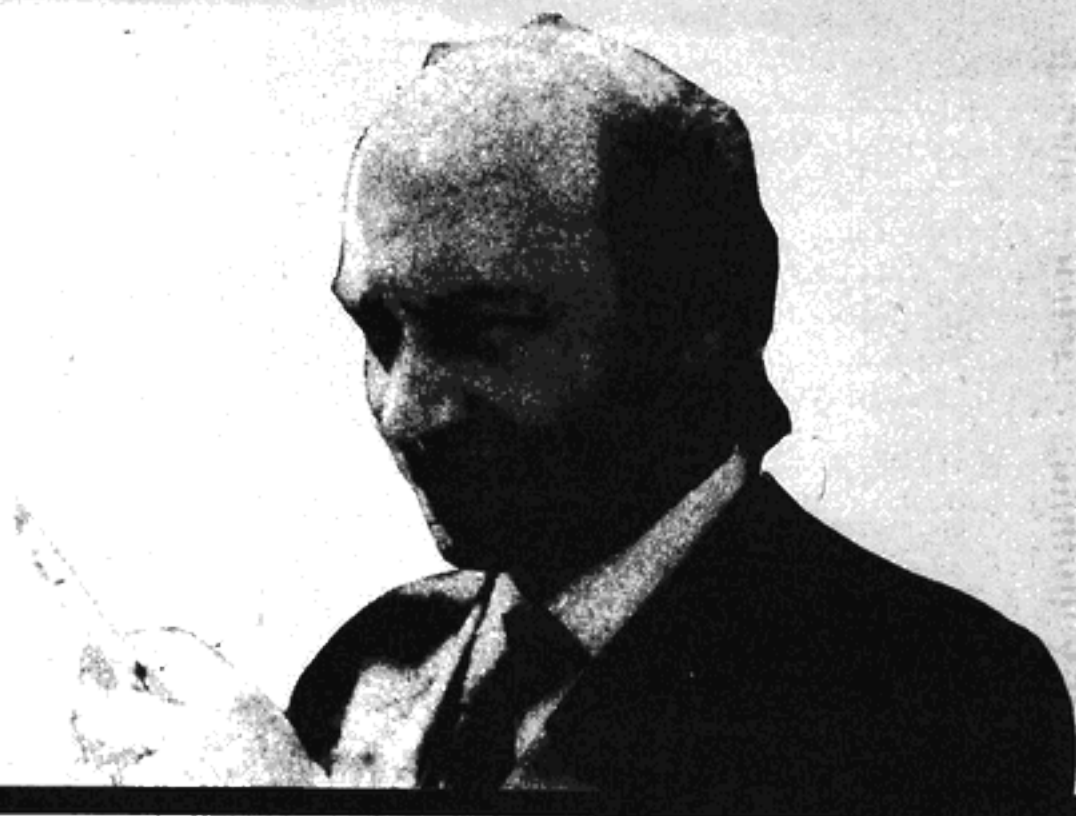
پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

دکتر علی شریعتی

انقلابی شیعه

نویسنده: یان ریشار
مترجم: حمید احمدی



مقدمه مترجم:

تجدید حیات نوین اسلام و گسترش موج جدید جنبشهای فکری و سیاسی اسلامی در جهان، و تأثیری که این حرکت چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از نظر بسیج سیاسی توده‌ها و جنبشهای مردمی بجای گذاشت، باعث گردید تا اسلام‌شناسان، مستشرقین و ایران‌شناسان جهان خارج توجه خاصی به ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در ایران معطوف دارند. گذشته از تألیفات و تحقیقات متعددی که پیرامون ابعاد سیاسی جنبش اسلامی و اخیراً انقلاب اسلامی در ایران از سوی محققان خارجی صورت گرفته است، موج جدیدی از تحقیقات آکادمیک و دانشگاهی نیز پیرامون اسلام بعنوان یک ایدئولوژی مبارز و انقلابی خاصه تشیع دامن گسترده است.

تحقیق و تتبع پیرامون ابعاد ایدئولوژیک اسلام از آنجا برای بیگانگان اهمیت دارد که بدنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران، موج جدیدی از حرکت‌ها و جنبش‌های مهم سیاسی-ایدئولوژیک در جهان اسلام در سالهای اخیر آغاز شده است. این تجدید حیات سیاسی اسلام، در کشورهای نظیر، مصر، الجزایر، تونس، سوریه، لبنان، سودان، کشورهای شبه جزیره عربستان، عراق، پاکستان، بنگلادش، هندوستان و در میان اقلیت‌های مسلمان سایر مناطق جهان چهره خود را نشان داده است. بنابراین برای شناخت موج جدید جنبش اسلامی، باید انگیزه‌ها و علل آنرا جستجو کرد.

مسئله یکی از طرق شناخت این پدیده نوین تحقیق و تتبع پیرامون افکار و اندیشه‌های شخصیت‌هایی است که آموزشها و عقاید ایدئولوژیک آنها به گسترش این خیزش جدید «رادیکالیزم اسلامی» کمک کرده است. اگر قبول داشته باشیم که موج حرکت نوین اسلامی در جهان پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران به حرکت درآمد، باید بپذیریم که اندیشمندان و متفکران اسلامی در ایران بیش از سایرین در این امر نقش داشته‌اند. وی‌گمان در میان این اندیشمندان باید از معلم شهید دکتر علی شریعتی نام برد که مجاهدات و اندیشه‌ها و آرمانهای انقلابی و ایدئولوژیک او در دوران استبداد و در آخرین دهه حکومت پهلوی بیش از هر کس دیگری محرک جوانان و روشنفکران ایرانی در گرایش به سوی مکتب نجات بخش اسلام

بود. بدین خاطر محققان، مستشرقین و ایران‌شناسان در بررسی علل ایدئولوژیک انقلاب ایران و موج جدید جنبش انقلابی اسلام در جهان، بخش مهمی از توجه خود را معطوف اندیشه‌ها و آرمانهای او کرده‌اند. علاوه بر ترجمه‌های گوناگون و متعددی که از کتاب‌ها و آثار معلم شهید به زبانهای مختلف جهان-انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عربی، ایتالیایی، اسپانیایی، ترکی استانبولی، ژاپنی، کردی و... به عمل آمده، مقالات و تحقیقات گوناگون و مفصلی نیز به زبانهای خارجی از سوی اسلام‌شناسان، مستشرقین و ایران‌شناسان پیرامون زندگی و اندیشه‌های وی و نقش او در جنبش اسلامی صورت گرفته است. گذشته از این مقالات و تحقیقات-که در روزنامه‌ها و نشریات معتبر جهان مربوط به اسلام، ایران و خاورمیانه و کتابهای مربوط به انقلاب اسلامی ایران یا جنبش‌های نوین سیاسی اسلام به چاپ رسیده-، تحقیقات و تألیفاتی نیز درباره اندیشه‌های شریعتی صورت گرفته و یا در حال انجام است که به صورت مستقل در غرب منتشر می‌شود.

علاوه بر تحقیقات و مقالات محققان اسلامی-بخصوص محققان عرب و شبه قاره هند- تعدادی از ایران‌شناسان، اسلام‌شناسان و بطور کلی مستشرقین غرب، تحقیقات مفصلی در رابطه با اندیشه‌های شریعتی و نقش آن در تجدید حیات نوین اسلام به عمل آورده‌اند، که می‌توان به برخی از آنها چون، یان ریشار، نیکی کدی، حامد الگار، براده‌انسن، ژاک برگ، مارسیا هیرمانسن، منگل فیلیپ بیات، ادوارد سعید اشاره کرد.

آنچه که ترجمه آن تقدیم می‌گردد مقاله‌ای است که یان ریشار (YANN RICHARD) محقق ایران‌شناس معروف فرانسوی پیرامون اندیشه‌های شهید شریعتی به رشته تحریر درآورده است. وی مقالات متعددی در این رابطه دارد که تعدادی از آنها در روزنامه‌ها و نشریات فرانسوی به چاپ رسیده است. تحقیق حاضر بخش عمده‌ای از مقاله او پیرامون افکار و شخصیت شریعتی و بخشی از کتاب‌ریشه‌های انقلاب* تألیف نیکی کدی، استاد تاریخ دانشگاه کالیفرنیا است.

لازم به یادآوری است که مجموعه تحقیقات و مقالات محققان خارجی پیرامون شخصیت دکتر علی شریعتی و اندیشه‌های او در انقلاب ایران و تجدید حیات نوین اسلام در جهان، از منابع گوناگون خارجی جمع‌آوری شده و بصورت کتاب مستقلی به زبان فارسی منتشر خواهد شد.

علی شریعتی در میان اصیل‌ترین متفکران نوین اسلامی که با غرب تماس آموزشی داشته‌اند شخصیتی است که بیش از هر کس دیگر، نسل جوان ایران را برای دست زدن به یک قیام انقلابی آماده ساخت. حوادث روزگار، این جامعه‌شناس اسلامی را اندکی پس از مرگش در ۱۹۷۷ به ایدئولوگ قیام تبدیل کرد و تصویر او همه جا در تظاهرات مخالفان شاه در کنار تصویر آیت‌الله خمینی به چشم می‌خورد.

وی در سال ۱۳۳۸ از دانشگاه مشهد مدرک لیسانس گرفت و بعنوان یکی از دانشجویان ممتاز و رده اول از بورس تحصیلی خارج از کشور استفاده کرد. برای یک سال به او اجازه خروج ندادند. سرانجام به پاریس رفت و در آنجا یکی از هواداران جنبش آزادیبخش الجزایر گردید. در فرانسه به تحصیل تاریخ و جامعه‌شناسی ادیان پرداخت، و برخلاف آنچه که اغلب گفته می‌شود موضوع تز خود را نه در این زمینه‌ها، بلکه در زمینه زبان‌شناسی تطبیقی فارسی نوشت. از جمله کسانی که بر او تأثیر فکری گذاشتند یکی لویی ماسینیون بود که او را عمیقاً ستایش می‌کند و با او هم بود که درباره فاطمه دختر پیامبر و همسر علی^ع به مطالعه پرداخت، و دیگری فرانتس فانون بود که کتاب دوزخیان روی زمین او را ترجمه کرده است و سرانجام ژان پل سارتر را می‌توان نام برد. در ۱۹۶۴ شریعتی با در دست داشتن مدرک دکترای دکترا به ایران بازگشت، ولی هنگام ورود به مرز ایران دستگیر شده و چندین ماه زندانی گردید.^۲

در سال ۱۹۶۵ ابتدا در یک روستای بزرگ خراسان و سپس در دبیرستانی در مشهد به تدریس پرداخت. وی بزودی دانشیار دانشگاه مشهد شد، ولی محتوای دروس مورد بحث و نیز موفقیتش در آن زمینه باعث اخراج او از دانشگاه گردید، سپس به تهران رفت و در همین جا بود که شهرت او بعنوان یک سخنران بسرعت همه‌جاگیر شد. کراراً از او دعوت می‌کردند، تا بخصوص در حسینیه ارشاد، یک مؤسسه مترقی اسلامی که در ۱۹۶۹ تأسیس شد، سخنرانی نماید. سخنرانی‌های او ضبط شده و توسط ماشین‌های تکثیر

بخش می‌گردید. در اواخر ۱۹۷۳ حسینیه ارشاد توسط رژیم تعطیل شد و شریعتی بسرعت مخفی گردید، اما رژیم پدرش را بعنوان گروگان به زندان افکند. شریعتی، پس از چندماه خود را تسلیم کرد و برای بیش از ۱۸ ماه در یک سلول انفرادی زندانی گردید. پس از آزادی، درحالی که تحت نظر بود، به مزینان روستای زادگاهش رفت. در بهار سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) تصمیم به ترک ایران گرفت، و به خاطر فضای باز سیاسی و لیبرالی که رژیم شاه درپیش گرفته بود، موفق بدین کار شد. اما، مقامات در آخرین دقایق بایوستن همسرش به او مخالفت کردند و هنگامی که او برای استقبال به فرودگاه لندن آمد، تنها دودخترش را در آنجا پیدا کرد. اندکی پس از آن نیز در ۱۹ ژوئن ۱۹۷۷ (۲۹ خرداد ۱۳۵۶) درگذشت.

هنوز لیست کاملی از کتابهای او تهیه نشده و از آنجا که بسیاری از آثارش را سخنرانی‌های تکثیرشده تشکیل می‌دهد، و یادست‌نوشته‌هایی است که از نواری پیاپی شده و علاوه بر این بسیاری از کتابهایش با اسم مستعار چاپ گردیده، مشکل می‌توان کتابشناسی واحدی از او ارائه داد.^۴

از ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) این متن‌های کوتاه دوباره چاپ شده و گاهی نیز یکجا گردآوری شده و علناً به فروش رسیده است. شریعتی اغلب در متن این سخنرانی‌ها، در هنگام چاپ دست می‌برد، اما با این وجود سبک شفاهی این متون بجز در مورد چند اثر از جمله گویر که به زبان شاعرانه نگاشته شده، همچنان محفوظ مانده است. عناوین سخنرانی‌های او بیانگر موضوعات مورد علاقه‌اش می‌باشد. در این رابطه می‌توان به آثار **چون علی ابرمرد تاریخ، انسان اسلام و مکتب‌های مغرب زمین، اقبال، معمار تجدید حیات فکری اسلام، امت و امامت، سوره روم: پیام به روشنفکر مسئول، شیعه حزب تمام و غیره** اشاره کرد. آثار او در حال حاضر توسط حسینیه ارشاد تصحیح و موضوع‌بندی می‌شود.

شریعتی قبل از هر چیز سخنران بزرگی بود که از وقت کوتاهی که داشت برای جا دادن اندیشه‌های اساسی در افکار و وجدان مخاطبانش استفاده می‌کرد. مسئله مهم برای او این بود که تا جایی که می‌تواند برای مستمعین خود، بدون آنکه توجه آنها را از دست بدهد، سخن بگوید، و مسئله تنظیم سخنرانی‌ها و اندیشه‌ها برایش اهمیت کمتری داشت.

شریعتی می‌خواست یک متفکر سیاسی- مذهبی مبارزات آزادی‌بخش جهان سوم باشد. او در واقع مشکلات استعمار و استعمار جدید را احساس می‌کرد و بویژه به استعمار فرهنگی، که انسانها را از خویشتن و ریشه‌هایشان بیگانه می‌کرد حمله می‌نمود. ایران، بویژه همیشه در معرض این خطر قرار دارد. جلال آل احمد ۱۵ سال قبل این بیماری را در کتاب **غرب زدگی** اش که مدت‌ها زیر سانسور بود، مورد تقبیح قرار داده است. شریعتی معتقد بود که نابودی فرهنگ ملی نتایج سیاسی- اقتصادی دارد. ایدئولوژی‌های غربی عکس‌العملهای بومی مردم مسلمان را برانگیخت، نه اندیشه‌های لیبرالیزم سرمایه‌داری، که علت این بیماری است و از آن سود می‌برد، و نه عقاید مارکسیستی یا سوسیالیستی، که پویایی خود را از دست داده و خصلت ضد انسانی وضد مذهبی دارد، هیچ کدام راه نجات نیستند. شریعتی اسلام را تنها ایدئولوژی نجات بخش ایران و تمام خلقهای تحت ستم- مستضعف می‌داند. باید از اسلام پیروی کرد اما نه اسلام منحط کنونی جوامع مسلمان معاصر، بلکه اسلام جامعه ایده‌آل محمد ص که توسط امویان به فساد و استبداد کشیده شد.

ایمان، به فرد اراده مبارزه، و به گروه تحرک و انسجام می‌دهد. از نظر شریعتی جوامع غیر خداپرست،

جاذبیت ندارند، و به همین ترتیب رفاهیات مادی نیز فریب‌آمیز هستند. شریعتی با برخورداری از یک روحیه مذهبی و تا اندازه‌ای عارفانه دائماً به قهرمانان اولیه شیعه همچون علی، حسین، ابوذر غفاری، حر و دیگران اشاره کرده و در مورد آنان سخنان بسیاری ایراد می‌کند. او اصول رهایی‌بخش شیعه را دو چیز می‌داند:

۱: امامت - یعنی سیستمی کردن رهبری، وظیفه

معنوی و سیاسی یک رهبر مردمی که او را داوطلبانه پذیرفته‌اند. امت همانند مسیحیت با حضور عارفانه مسیح متحد نمی‌شود، بلکه با تحرک خود در پیرامون رهبرش وحدت به دست می‌آورد.

۲: عدالت - که تشیع آنرا بالا برده و یک اصل الهی می‌داند. خداوند باید عادل باشد و جامعه انسانی نیز نمی‌تواند حکومت ستمگر و مستبدی را بپذیرد که امامان را کشته و اسلام را به فساد و تباهی کشیده است.

شریعتی در چند سلسله سخنرانی، که در یک کتاب جمع‌آوری شده، **بین تشیع علوی - منسوب به علی اولین امام شیعه - و تشیع صفوی تفاوت عمده‌ای قائل می‌شود. تشیع علوی نماینده اسلام اصیل و یک جنبش مترقی و انقلابی است. در اینجا میان روشنفکران و مردم تقسیم‌بندی دیده نمی‌شود، و اسلام در مرحله مترقی و پویای خود قرار گرفته است. تشیع صفوی، با تبدیل مذهب شیعه به یک مذهب دولتی آنرا تبدیل به نهاد و وسیله بردگی سیاسی کرده و از هدف اولیه‌اش، که جستجوی عدالت و انجام وظایف مقدس می‌باشد، دور نموده است. تشیع صفوی ایران را به ضدیت و مخالفت با عثمانی‌ها برانگیخت و مسئله نژادپرستی و ناسیونالیسم را با شیعه درهم آمیخت. شریعتی می‌گوید انواع مختلف شعائر انحرافی، نظیر نمایشهای تأتری به مناسبت شهادت حسین رتبه‌بندی شده که به «رمزورموزات» مسیحیت شبیه است در زمان صفویان از مسیحیت اقتباس شد.**

تشیع صفوی از نظر شریعتی تشیع پهلوی نیز هست و علمای صفوی همانهایی هستند که در بازیهایی قدرت درگیر می‌باشند. آنها نقش خود را بعنوان بیدارگران روبرو فراموشی گذاشته و خود را به بحث‌های بی‌نتیجه گرفتار کرده‌اند. تشیع را به یک مذهب عزا و تسلیم تبدیل نموده و مؤمنان را به جانب مسائل ظاهری و فرعی - و نه به جانب جنبش و حرکت - سوق می‌دهند. آنها ادعا می‌کنند که در غیاب امام دوازدهم هردولتی قابل قبول است، و بدین ترتیب در تضعیف اسلام دست داشته و از جدایی دین و سیاست - قدرت - طرفداری می‌کنند.

شریعتی در پایان این کتاب تفاوت میان دو تشیع را، براساس مفاهیم اصل آنها جدول‌بندی کرده است.^۵ شریعتی با سیستمی کردن مفهوم تشیع علوی، دونتیجه به دست آورد: یکی اینکه خود را از اسلام رسمی متحجر مورد اعتراض جوانان ایده‌آلیست دور کرد، و دیگر اینکه به مفاهیم تشیع یک معنی مبارزاتی نوین داد. حتی نماز و دعا در این اسلام نوین معنی سیاسی پیدا نموده و باعمل همراه شد. این معنی انقلابی نماز و دعا بویژه در طی انقلاب ۲۹-۱۹۷۸ رواج پیدا کرد. شریعتی بار داناتیسم تشیع صفوی، بین تشیع و تسنن، همانند قبل از خلافت بنی‌امیه سازگاری ایجاد کرد.

شریعتی هم چنین چندین سخنرانی پیرامون نقش زن ایراد کرد، که در مجموعه‌ای به نام **فاطمه، فاطمه** است منتشر شد، او الگوی زن غربی را رد می‌نمود، زیرا زن را به شیئی تبدیل می‌کرد، و از او بعنوان یک عامل جنسی، بدون هیچگونه رابطه ازدواج، استفاده می‌نمود. از دیدگاه شریعتی غرب، با ادعای «آزادی» زن در مستعمرات خود در واقع سعی می‌کند با شکستن و از هم پاشیدن وحدت خانواده مسلمانان، قدرت و سلطه

خود را مستحکم نماید. شریعتی خواهان شرکت زن در زندگی عمومی و اجتماعی بود و شدیداً به اصول سنتی در رابطه با انزوای زنان حمله می‌کرد. اما، می‌گوید که آزادی و برابری کلماتی خلاف ماهیت خود هستند. غرب، که این کلمات را شعار خود ساخته، تنها یک نوع اصالت فرد را ارائه می‌دهد که زنان در آن باید دست به دو انتخاب بزنند. یا زن بودن خود را قربانی یک مبارزه سخت حرفه‌ای کنند و یا آنرا در نقش‌های بی‌فایده به کار اندازند. انحطاط جامعه مسلمان، و تحقیری که نسبت به زنان در آن روا شده، اقتضا می‌کند که نقش زنان مورد ارزیابی مجدد قرار گرفته و الگوی جدیدی از زن ارائه گردد.

او در این رابطه، فاطمه دختر پیامبر و همسر علی را الگو می‌گیرد، زیرا که هم خصایص پدرش محمد پیامبر اسلام را داشت و هم خصلت همسرش علی و فرزندان حسن و حسین را. او مرکز ثقل یک خانواده مجاهد بود. او مسئولیت‌ها را به دوش می‌گرفت و همانند مردان، اما به شیوه‌ای متفاوت، در مسائل اجتماعی درگیر می‌شد و بیشترین جدا اما برابر شریعتی درباره زنان، دلخواه بسیاری از مسلمانان می‌باشد.

اندیشه سیاسی واقعی شریعتی در آثار منتشر شده‌اش چندان مطرح نگردیده است، هرچند که همه چیز در نهایت به همین طرز تفکر مربوط می‌شود. تأکید بر پیروی امت از امامت چنین می‌نمایند که شریعتی، هرچند به تنه تالیاتاریسم انتقادات شدیدی وارد می‌آورد، خود در پی یک اقتدار اسلامی بود که کاملاً به فرد احترام می‌گذارد و او را جز خدا بنده هیچکس نمی‌داند، و استقلال و خودمختاری او را تا حد یک تولیدکننده اقتصادی پایین نمی‌آورد. به علاوه او می‌گوید که پایه خلق یک ایدئولوژی مبتنی بر پیشرفت و انقلاب دائمی تنها در اسلام نهفته است، تنها اسلام است که جلوی هرگونه تلاش به منظور بازگشت به سوی قدرتهای مستبد و انحطاط و ذلت روابط سیاسی را می‌گیرد.

شریعتی دموکراسی غرب را یک دموکراسی فاسد می‌داند، زیرا قدرت پول و نه انتخاب‌کنندگان، بر سیاست مسلط می‌باشد. دموکراسی غربی که براساس حق شرکت فرد در انتخابات آزاد استوار است، از ریشه و اصل فاسد است، زیرا در حالی که مدعی برابری است، در حقیقت زمینه نابودی اقلیت مترقی توسط اکثریت محافظه‌کار را فراهم می‌آورد. او دموکراسی «هدایت‌شده» مورد نظرش را در کتاب **امت و امامت** چنین تعریف می‌کند:

«دموکراسی متعهد حکومت گروهی است که براساس یک برنامه انقلابی مترقی که افراد را، پیش افراد را زبان و فرهنگ مردم را روابط اجتماعی و سطح زندگی مردم و شکل جامعه را، می‌خواهد دگرگون کند و به بهترین شکلش براند. برای این کار یک ایده‌آل‌ولوژی دارد، یک مکتب فکری مشخص دارد، یک برنامه‌ریزی دقیق دارد، و هدفش این نیست که یکایک این مردم را بشناسد و سلیقه‌شان متوجه او شود. هدفش این است که جامعه را به مقام و درجه‌ای برساند که براساس این مکتب به طرف این مقصد متعالی حرکت بکند و هدفهای انقلابی‌اش را تحقق دهد. اگر مردمی هستند که به این راه معتقد نیستند و رفتارشان و راییشان موجب رکود و فساد جامعه است، و اگر کسانی هستند که از قدرت خودشان و از پول خودشان و از این آزادی سوءاستفاده می‌کنند و اگر شکل‌های اجتماعی بی‌وجود دارد و سنت‌هایی هست که انسان را را کند نگه می‌دارد، باید آن سنت‌ها را از بین برد، باید آن طرزفکر را معکوم کرد و باید این جامعه - بهر شکل که شده - از قالبهای متعجر خودش رها بشود».

استقبال عظیمی که از شریعتی در میان دانشجویان و مسلمانان جوان به عمل آمد، تا اندازه‌ای از اصالت مقامش ریشه می‌گرفت. او که از یک پیشینه خوب مذهبی برخوردار بود، در فرانسه به مطالعه ایدئولوژیهای مدرن، از جمله لیبرالیزم، کاپیتالیزم، مارکسیسم و اگزیستانسیالیسم پرداخت و در عین حال

همچنان بعنوان یک مؤمن باقی ماند زبان قابل فهم شریعتی برای ایرانیانی که تازه به تحصیلات جدید پرداخته بودند و می‌خواستند ایدئولوژی‌های مهاجم غربی را به منظور رد علمی آنها، درک کنند، باعث شد تا از او استقبال گرمی به عمل آید، زیرا او نبود کسی که می‌توانست نیازهای آنانرا برآورده نماید. او زمانی شهرت به دست آورد که آموزش عالی در ایران سریعاً توسعه می‌یافت، و گروه‌های اجتماعی جدید، بدون آمادگی ایدئولوژیک، با مسائل فرهنگی جدیدی از قبیل گسترش شهرنشینی، غربزدگی، صنعتی شدن، کاغذبازی و فساد گسترده، و بسیاری پدیده‌های دیگر که ایران را به غرب وابسته می‌کرد، روبرو بودند. رشد جمعیت، بیشتر بر طبقات فقیرتر، و غیر غرب‌زده شدیداً مذهبی، تأثیر گذاشت. وابستگی‌ها و علائق شریعتی به اسلام و توانایی وسیع او در پاسخگویی به دیگر ایدئولوژی‌ها، او را به مدافع محکمی در مقابل نابودی ارزشهای سنتی تبدیل کرد. اسلام، این دین جبهه آزادیبخش ملی الجزایر و جنبش مقاومت فلسطین یک دین مبارز ضد امپریالیستی شده بود. ایرانیان که در برابر غرب خود را شکست خورده احساس می‌کردند با کشف مجدد اسلام هویت جدیدی کسب کردند.

روشنفکران جدید ایران قبلاً اسلام را بعنوان پدیدم‌ای که از جهان مدرن بدور است، نگاه می‌کردند. اسلام از نظر آنان حتی یک نقش منفی به عهده داشت، زیرا توجه خود را به آخرت معطوف می‌کرد، و با سکوت خود، و نیز ارائه جنبه شکست خورده مبارزه مذهبی، به تقویت پایه‌های رژیم کمک می‌نمود. روشنفکران جوان مسلمانان ایران در شریعتی یک پاسخ انقلابی شیعی ایرانی برای همه این مشکلات پیدا کردند. حسین شریعتی حسین تعزیه نبود، بلکه حسینی بود که جنگید و به خاطر یک مسئله عدالت‌خواهانه جان باخت.

گرچه کتابهای شریعتی را ممنوع‌الانتشار کردند، اما آثار او بطور مخفیانه و بویژه در میان دانشجویان ایرانی خارج از کشور پخش شد. سنت‌گرایان مذهبی با شریعتی و حسینیة ارشاد بشدت از در مخالفت درآمدند. اعتبار روحانیون الهیات‌دان بوسیله شخصی مخدوش می‌گردید که خود درس خداشناسی و الهیات نخوانده بود و آنها را متهم می‌کرد که مذهب را بعنوان وسیله در خدمت منافع شخصی خود خدشه‌دار کرده‌اند و با مقامات مذهبی مقاوم در برابر سلطنت سربه مخالفت برمی‌دارند. انتقادات علما به شریعتی تا آنجا که ما می‌دانیم چیزی جز اتهامات بی‌پایه و اساس نبود. مثلاً او را بعنوان عامل سنی‌ها، وهابیت و کمونیسم معرفی می‌کردند. و به هیچ‌وجه سازنده به حساب نمی‌آمد.

به هر حال، از تابستان ۱۹۷۷ به بعد، کتابهای شریعتی در سراسر ایران در صدها هزار نسخه به فروش رفت. کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران مملو از کتابهای شریعتی است، بعضی فروشندگان کنار خیابان در پیاده‌روها، خنجر زندگی خود را صرفاً از طریق فروش کتابهای او به دست می‌آورند. در مناطق اطراف بازار تهران، شهرهای استانها و شهرهای مذهبی قم و مشهد نیز همین وضع مشاهده می‌شود. شریعتی اندکی پس از مرگش به چهره افسانه‌ای اسلام مبارز تبدیل شد. در جلد سوم یادنامه‌ای که به افتخار شریعتی پس از مرگ او در ۱۹۷۸ منتشر شد، نام بسیاری از روشنفکران معروف مخالف رژیم به چشم می‌خورد.^۱

هنوز زود است پیش‌بینی کنیم که تأثیر شریعتی در دراز مدت چه خواهد بود. در اینجا ما بر آن نیستیم که در مورد آثار و کتابهایی او که هنوز کاملاً منتشر نشده، قضاوت کنیم. هم‌چنین در صدد این نیستیم شخص رامورد ارزیابی قرار دهیم که شهادت و توانایی و کیفیات معنوی و روحی او قابل احترام است. تنها چند نکته را

خاطر نشان می‌سازیم: علی‌رغم اهمیتی که شریعتی در سخنرانی‌های خود به انتقاد از جامعه غربی و اصرارش بر نجات انسانیت از تهدید مسیحیت و ماتریالیسم-هم کاپیتالیسم و هم کمونیسم- می‌داد، آگاهی او از غرب یک آگاهی و شناخت کلی بود.

شریعتی هم چنین تاریخ ایران را نادیده می‌گرفت، او خود می‌گوید که از تاریخ نفرت دارد، و این البته شاید به خاطر استفاده‌ای بود که از تاریخ به عمل می‌آمد. او به تاریخ کمتر اشاره می‌کند. آنچه مورد علاقه اوست یک اسلام اصیل آرمانی است، و نه سیر تاریخی آن. بدین خاطر در تحلیل‌های او از روابط میان شیعه و حکومت از زمان صفوی به بعد به متون و اسناد قابل دسترسی اشاره چندانی نمی‌رود. نقش بزرگ علما در انقلاب ۱۱-۱۹۰۵ مشروطه مورد بحث قرار نمی‌گیرد مگر در آنجا که استفاده از اصطلاح مشروطیت برای قانون



اساسی مورد انتقاد (علما) واقع می‌شود. ما تنها یک صفحه در مورد نقش علما در سیاست (در آثار او) پیدا کرده‌ایم.^{۱۰} او در این باره چنین می‌گوید:

«اما در دوره غیبت چون هم پیغمبر نیست، هم امام حضور ندارد، رسالت پیامبران و امامان برعهده خود مردم می‌افتد و مردم‌اند که باید خود، اسلام را بیاموزند، حق را تشخیص دهند، حدود اسلامی را اجرا کنند، جامعه اسلامی را تشکیل دهند، مردم را رهبری کنند، از اسلام، مسلمین، قدرت و وحدت اسلامی در برابر یهود و نصاری و دیگر دشمنان دفاع کنند، جهاد کنند، اجتهاد کنند و از میان خود گروهی را برای تخصص در شناخت علمی اسلام و استنباط قوانین اسلامی و حل مسائل جامعه و رویدادهای زمان و ادار نمایند و رهبری اجتماعی و فکری و مسئولیت سرنوشت مردم را به دست آنان بسپارند و خود بهترین ولایت‌ترین و آگاه‌ترین، دانشمندترین و پاک‌ترین شخصیت موجود را برای رهبری تشخیص دهند و از میان خود کسی را به «جای امام» که جای پیغمبر اسلام است- برگزینند و بنشانند و در انجام مسئولیت‌های سنگین او- که مسئولیت‌های امامت است خود مردم احساس مسئولیت مداوم و مستقیم

کنند و حکومت علم را، علم مستعبد را، آنچنان که افلاطون آرزو می‌کرد- مستقر سازند..... یعنی کسی را که در دوره پیش از غیبت، (نبوت و امامت)، خدا معین می‌کرد، در دوره غیبت، مردم باید تعیین کنند.»^{۱۱}

بدین ترتیب شریعتی، تئوری سنتی اجتهاد را گرفت و با اصول دمکراتیک در هم می‌آمیزد، اما از آنجا که تحلیل تاریخی یا الهی از آن نمی‌کند، مشکل می‌توان به موضع قاطع او پی‌برد. این فقدان قاطعیت در موضعگیری باعث عدم اعتماد روشنفکران جوان ایران و دیگران به شریعتی نمی‌شود. همگی آنها در تفکر پر تحرک و پویای شریعتی، برای مشکلات خود بعنوان روشنفکران ایرانی، پاسخ مناسب را پیدامی‌کنند. شریعتی به آنها کمک می‌کند تا بدون ازدست دادن هویت اسلامی خود، فتح جهان جدید را آغاز نمایند.

پانویسها:

۱- ترجمه دوزخیان روی زمین اثر فرانتس فانون، درواقع توسط معلم شهید دکتر علی شریعتی به عمل نیامده است. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: بازگشت، مجموعه آثار شماره ۴ (تهران زمستان ۱۳۹۱) ص ۴۲۰- م

۲- بیوگرافی‌های کوتاه موجود پیرامون زندگی شریعتی در باره این تاریخها اختلاف نظر دارند. نگاه کنید به: «زیست‌نامه دکتر شریعتی» در کتاب، یادنامه دکتر علی شریعتی به مناسبت چهل‌م او (تهران، ۱۳۵۶). و نیز سالنامه زندگی و آثار دکتر علی شریعتی، یادنامه سالگرد هجرت ابودر زمان استاد دکتر علی شریعتی (تهران، ۱۹۵۷) نیز شریعتی برای دوره دکترای دانشگاه سوربن، که مؤلف- یان ریشار- خود آنرا دیده و مطالعه کرده یک اثر زبان‌شناسی تطبیقی درباره متن فارسی کتاب فضائل بلغ می‌باشد، و پروفیسور ج. لازار استاد راهنمای او بوده است.

۳- درواقع برخلاف نظر نویسنده، خروج دکتر شریعتی از ایران در سال ۱۳۵۶ در اثر فضای باز سیاسی و لیبرالی رژیم شاه، صورت نگرفت. بلکه شهید شریعتی با ارائه گذرنامه خود که نام «علی مزینانی» بجای علی شریعتی- بر آن نوشته شده بود توانست دور از چشم مأموران ساواک ایران را ترک نماید- م

۴- در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) تاریخ تحریر این مقاله، آثار و نوشته‌های شریعتی به صورت تدوین شده منتشر نشده بود، اما در حال حاضر مجموعه آثار شریعتی به صورت طبقه‌بندی شده در ۲۳ شماره منظم در ایران به چاپ رسیده است- م

۵- رجوع کنید به کتاب‌شناسی مقدماتی از آثار شریعتی توسط «یان ریشار» (Yan Richard) در Abstracta Iranica, 1 and 2, Tehran- Leiden, 1978, 1979.

حامدالگار نیز بعضی از آثار او را در مجموعه‌ای تحت این عنوان به انگلیسی ترجمه کرده است:

Ali Shari'ati «On The Sociology of Islam» (Berkely and Los Angeles, 1979)

اینها از جمله بهترین متون اندیشه‌های شریعتی در مورد شیعه است. ترجمه‌های دیگری نیز از آثار او از جمله کتاب Halj (حج) توسط الف بهزاد نیلوان-دنی در ۱۹۷۸ صورت گرفته است.

چندین کتابچه نیز از آثار او در تهران توسط حسینیة ارشاد، بنیاد شریعتی و بنیاد همدی به انگلیسی ترجمه شده است، معمولاً شیوه شفاهی آثار شریعتی و تحلیل‌های سریع او از مسائل برای مستمعین مشتاقش، امر ترجمه آنها را مشکل کرده است.

۶- علی شریعتی تشیع علوی و تشیع صفوی، مجموعه آثار شماره ۹- انتشارات تشیع، تهران

۷- علی شریعتی فاطمه فاطمه است، سخنرانی در حسینیة ارشاد.

۸- علی شریعتی، امت و امامت (انتشارات قلم، تهران، ۱۳۵۸) صص ۱۶۷-۱۶۶

۹- یادنامه سالگرد هجرت

۱۰- در موارد بسیار دیگری هم، دکتر به این مهم اشاره و تصریح دارد که بر خوانندگان ایرانی پوشیده نیست و خود بحث مبسوطی را می‌طلبد.

۱۱- علی شریعتی تشیع علوی و تشیع صفوی صص ۲۷۴-۲۷۳

از این بخش از کتاب او ترجمه مستقل دیگری نیز توسط شاهرخ اخوی در اثر زیر صورت گرفته است.

Shahrough Akhavi, «Religion and Politics in Contemporary Iran» (Albany, 1980), PP. 231- 233

کتاب اخوی بعد از تکمیل این نوشتار منتشر شد. این کتاب دارای اطلاعات اضافی سودمندی در مورد افراد و تفکرات می‌باشد. (کامل این بخش از نوشته دکتر، در پایان مجموعه آثار جلد ۹ آمده است و خوانندگان را به اصل ارجاع می‌دهیم- م)